

## To Explain The Architecture of Fortifications in the Hakim Nasser Khosrow Qbadyany's Logbook In The City Travels

Saeideh Hoseinzade Mehrjardi<sup>1</sup>  
Asieh. Zabihnia Omran<sup>2</sup>

## بررسی معماری استحکامات در سفرنامه

ناصر خسرو

سعیده حسینی زاده مهرجردی<sup>۱</sup>، آسیه ذبیح نیا عمران<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۷/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۰۷

### چکیده

### Abstract

In the year 1035 A.C Nasser Khosrow's dream of seeing Jose Janan He traveled continually to resolve the Hejaz trip lasted seven years. Book Travelogues, Outcomes Some information as to his architectural and urban communities Persian authentic texts has.

His science architecture was meant to read today about the journey of Some towns and urban fortifications and defensive systems of blood money, what they watch And heard, true or false, fact or fiction, and all the good or bad Record and talked about issues that were important at the time This article is a descriptive and analytical methods and data collection Through a library of documents and includes the following topics: types Blood of the fortifications and cities, the type of materials used in fortifications Details of its architecture, the impact of technical systems (or tactical) Attacks and Defense Architecture and Urbanism ...

**Keywords:** Nasser Khosrow, Fortifications , city walls, Gateways, the Congress, Crenate

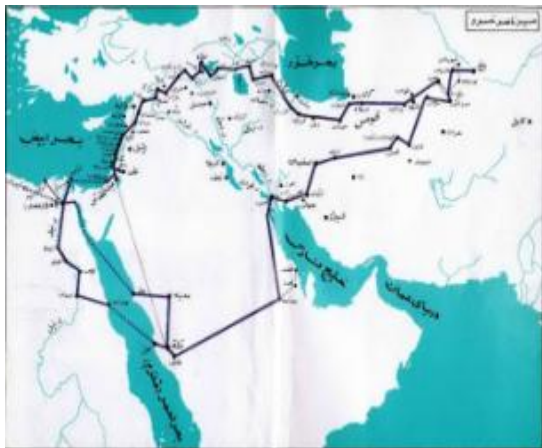
حکیم ناصر خسرو قبادیانی در سال ۴۲۷ ه.ق، بر اثر خوابی که در جوزجانان دید عزم سفر حجاز کرد. سفر او هفت سال به طول انجامید؛ کتاب سفرنامه ره آورد اوست، که از حیث اطلاعات معماری و شهرسازی برخی جوامع از متون معتبر فارسی است. او علم معماری و شهرسازی به معنای امروزی را نخوانده بود، اما طی سفر، درباره نوع استحکامات و سیستم تدافعی شهری برخی شهرها و دیه‌ها، هرچه را که دیده و شنیده، درست یا نادرست، واقعیت یا افسانه و خوش یا ناخوشایند، همه را ثبت و یادداشت کرده و از مسائلی سخن گفته که در آن دوران حائز اهمیت بود. این مقاله به شیوه توصیفی و تحلیلی نگاشته شده و روش گردآوری اطلاعات آن مبتنی بر ابزار کتابخانه‌ای است، که مباحث ذیل را شامل می‌شود: نوع استحکام بخشی شهرها و دیه‌ها، نوع مصالح به کار رفته در استحکامات، جزئیات معماری استحکامات، برخی تزئینات به کار رفته در معماری آنها، تأثیر سیستم تکنیکی (و یا تاکتیکی) حمله و دفاع در معماری و شهرسازی. **کلیدواژه‌ها:** سفرنامه، ناصر خسرو، دیوار شهر، باره، دروازه، جنگ‌گاه.

۱. عضو هیات علمی، گروه هنر و معماری، دانشگاه پیام نور یزد  
(نویسنده مسؤول) archisad@pnu.ac.ir

۲. عضو هیات علمی، گروه ادبیات، دانشگاه پیام نور یزد  
asieh.zabihnia@gmail.com

1. Faculty Member Of Payame Noor university of yazd  
2. Assistant Professor of Payam noor University

## مقدمه



شکل ۱. مسیر سفر ناصر خسرو  
(مأخذ: وزین پور، ۱۳۵۴)

تذکره‌ها و سفرنامه‌ها منابع مهمی برای دیدن تصویرهایی از گذشته شهر و معماری هستند. (جبارنیا، ۱۳۸۸: ۹۲) ناصرین خسرو (۳۹۱-۴۸۱ ه.ق) از شاعران و نویسندگان قرن پنجم زبان فارسی است؛ وی در قبادیان بلخ به دنیا آمد. در ابتدا به کار دبیری مشغول بود «و در دربار محمود و مسعود غزنوی و مدتی نیز در دربار چغری بیگ سلجوقی، خدمت دیوانی کرد. در حدود سن چهل سالگی، تحولی در اندیشه وی روی داد که به تعبیر خود، از خواب چهل ساله بیدار شد.» (شعار، ۱۳۶۸: ۷) و به سفر هفت ساله پرداخت و شهرهای مختلف اسلامی را سیاحت کرد. او در مصر به اسماعیلیه پیوست و به بلخ بازگشت و به تبلیغ آیین اسماعیلی پرداخت، مخالفانش افزونی گرفتند، او به دره یمگان پناه برد و در همان جا، وفات یافت. سفرنامه، گزارش سفر هفت ساله ناصر خسروست که با «انشایی روان» (بهار، ۱۳۶۹: ۱۵۲) و ساده به رشته تحریر در آمده است. همه نویسندگان کتب تاریخ ادبیات فارسی بر این اتفاق نظر دارند که سفرنامه حاوی اطلاعات دقیق و معتبر است.

ناصرخسرو در سفر هفت ساله خود، چهار بار حج کرد و شمال شرقی، شمال غربی، جنوب غربی و مرکز ایران، ممالک و بلاد ارمنستان، آسیای صغیر، حلب، طرابلس، شام، سوریه، فلسطین، جزیر العرب، مصر، قیروان، نوبه و سودان و... (شکل ۱) را سیاحت کرد.

## پیشینه تحقیق

تاکنون درباره سفرنامه ناصر خسرو چند مقاله منتشر شده است، اما درباره انواع استحکامات شهری و معماری در سفرنامه، تاکنون مقاله‌ای منتشر نشده است. برخی از مقاله‌ها در زمینه سفرنامه عبارت‌اند از: مقاله «بازار در سفرنامه ناصر خسرو احسن التقاسیم مقدسی»، از مینو امیرفاسمی که در سال ۱۳۸۲ در نشریه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز منتشر شد، هم چنین مقاله «اقتصاد در سفرنامه ناصر خسرو»، از آسیه ذبیح‌نیا که در سال ۱۳۸۹ در همایش ملی دانشگاه پیام‌نور مشهد ارائه و چاپ شد. مقاله «واحد اندازه‌گیری مسافت‌های بین شهری و درون شهری و ابعاد ابنیه در سفرنامه ناصر خسرو» از سعیده حسینی‌زاده که در سال ۱۳۹۲ در نشریه تخصصی دانشوران چاپ شد.

## معرفی معماری بلاد جهان در سفرنامه



شکل ۲. تصویری از شهر بعلبیس در گذشته

(مأخذ: www.sehirler.ne)

البته مطالعه برخی از اسناد مشابه و تطبیق آنها با سفرنامه وی نیز صحت نظریات فوق را تأیید می‌کند، به عنوان نمونه مطالعه اطلاعات تاریخی توصیف شده در باب شهر قزوین در رساله‌های صورالارض ابن حوقل و المسالک و الممالک اصطخری با مطالب ارائه شده توسط ناصر خسرو هماهنگی دارد، چنان که اصطخری در کتاب المسالک و الممالک که آن را براساس صورالاقليم بلخی در فاصله ۳۱۸ تا ۳۲۱ ه.ق. تألیف کرده است، می‌نویسد: قزوین شهری است و بارویی دارد... و کاریزی خرد برای آشامیدن» (اریاب، ۱۳۹۰: ۱۳) ابن حوقل نیز می‌نویسد: قزوین شهری است که قلعه‌ای دارد ... آب جاری قزوین اندک ... و این آب در قناتی ... جاری است.<sup>۳</sup> ناصرخسرو نیز در این باب چنین می‌نگارد: «و قزوین را شهری نیکو دیدم، باروی حصین ... آلا آنکه آب در وی اندک بود و منحصر به کاریزها در زیر زمین.» (ناصرخسرو، ۱۳۵۴: ۱۹)

هرچند تاریخ تألیف سفرنامه، کاملاً روشن نیست، اما تاریخ سیاحت در اماکن و شهرها و دیدهای نامبرده کاملاً روشن است. این مجموعه حاوی اطلاعاتی در مورد معماری و شهرسازی برخی از این شهرها در عصر وی است که کامل‌ترین آنها مربوط به معماری و تکنیک ساخت استحکامات است، همچنین در مورد دیوار و برج و باره<sup>۱</sup> شهرها، بازارها، مساجد آدینه، اماکن زیارتی و سایر در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

نویسنده سفرنامه با وجود اینکه علم معماری و شهرسازی به معنای امروزی را نخوانده و «دانش وی تنها در حد سیاق و نقاشی و شعر و ادب و لوازم دبیری بوده» (نظری، ۱۳۸۴: ۲) اطلاعات دقیق و جالبی در زمینه معماری و شهرسازی ارائه می‌دهد. وی برخلاف عامه مردم «دروغ نمی‌یافتد». بدین‌سان کتاب از لحاظ جغرافیای تاریخی و از جهت آشنایی به اوضاع و احوال جامعه‌ها و مراکز مهم تمدن اسلامی در روزگار مؤلف مزایای فراوانی (وزین‌پور، ۱۳۵۴: ۱۹) دارد، چراکه خود در پایان سفر اعلام می‌دارد «و این سرگذشت آنچه دیده بودم به راستی شرح دادم و بعضی که روایت‌ها شنیدم...» (همان: ۱۲۵)

۱. باره: دیوار قلعه. (دهخدا، ۱۳۶۲: ذیل واژه)

۲. در بخشی از سفرنامه ناصرخسرو به حدیث «قولوا الحق و لو علی انفسکم» اشاره می‌کند و به این ترتیب صداقت خود را در نوشته‌هایش ابراز می‌دارد.

۳. به نقل از دبیر سیاقی، ۱۳۸۱: ۴۵-۴۴

ری، قزوین، خرزویل<sup>۴</sup>، سفید رود، سراب، تبریز، مرند<sup>۵</sup>، خوی<sup>۶</sup> گذر کرده است.

پس از آن وارد ترکیه امروزی شده و از وان، وسطان، اخلاط که هر سه در نزدیکی سواحل دریاچه وان قرار داشتند یاد می‌کند. از شهر بطلیس<sup>۷</sup>، بطلیس<sup>۷</sup>، ارزن<sup>۸</sup>، میافارقین<sup>۹</sup>، آمد<sup>۱۰</sup> نیز گذشته و آنها آنها را توصیف می‌نماید. مثلاً در مورد شهر بطلیس می‌نویسد: «از آنجا به بطلیس رسیدیم. به دره‌ای در نهاده بود... قلعه‌ای دیدیم که آن را «قف انظر»<sup>۱۱</sup> می‌گفتند...» (شکل ۳)



شکل ۳- تصویری از شهر بطلیس امروز واقع در یک دره

(مأخذ: [www.ogrensek.com](http://www.ogrensek.com))

او همچنین برخلاف برخی دیگر از نویسندگان که روش و شیوه مناسبی برای ارائه یک موضوع به کار نمی‌گیرند، از روشی استفاده کرد که به ویژه در بررسی مسائل جغرافیایی کاربرد دارد: یعنی به شهرها و مکان‌هایی که داخل می‌شد، به دقت مشاهده می‌کرد، می‌پرسید، اندازه می‌گرفت، می‌نوشت و شرح می‌داد و بدین سان است که وصف شهرهایی مانند دیاربکر، بیت‌المقدس، مکه و قاهره در هزار سال پیش از این به دست ما رسیده است. لازم به ذکر است که با توجه به توانی که وی در هنر نقاشی داشته و دقتی که در توصیف استحکامات شهری بلاد جهان و حتی «معماری مساجد و برخی مکان‌ها به کار برده چنین توجهی را به معماری و وضعیت بازارها معطوف نکرده است.» (امیرقاسمی، ۱۳۸۲: ۳۶)

در این مقاله سعی شده به ویژگی استحکامات شهری در بلاد مختلف عصر ناصر خسرو از دیدگاه و مشاهدات او بررسی و تبیین شود.

### بلاد مورد اشاره در سفرنامه

ناصر خسرو که سفر خود برای حج را از مرو<sup>۱</sup> آغاز کرده در طی مسیر سفر از ایران<sup>۲</sup> به عنوان نقطه آغاز سفر و شهرهای سرخس، نیشابور، قومس<sup>۳</sup>، دامغان،

۴. خرزویل: نام قصبه‌ای نزدیک دهستان منجیل سفیدرود. (مصاحب، ۱۳۴۵: ذیل واژه)
۵. مرند: یکی از شهرهای استان آذربایجان شرقی و مرکز شهرستان مرند است.
۶. خوی: از شهرهای استان آذربایجان غربی ایران و مرکز شهرستان خوی است.
۷. بطلیس: بتلیس یا بدلیس یکی از شهرهای ترکیه و مرکز استان بتلیس است. (معین، ۱۳۵۶: ذیل واژه)
۸. ارزن: نام شهری در ولایت دیاربکر، نزدیک رود دجله در میافارقین (دیاربکر یا آمد یکی از شهرهای کردستان ترکیه است)
۹. میافارقین یک شهر باستانی در نزدیکی دیاربکر، در کشور ترکیه بود. این شهر امروزه شهر سیلوان نامیده می‌شود. (پاشا، ۱۳۳۵: ذیل واژه)
۱۰. آمد از قدیم شهر مهم و عمده‌ای در جنوب شرقی ترکیه بود که در بستر و جلگه‌های رودخانه دجله واقع بود و مرکز ایالت دیاربکر بود.
۱۱. یعنی بایست بنگر.

۱. مرو: از شهرهای بزرگ و آباد خراسان قدیم اکنون در ترکمنستان. (معین، ۱۳۵۶: ذیل واژه)
۲. لازم به ذکر است که این دسته‌بندی مکانی براساس موقعیت‌های جغرافیایی فعلی تنظیم شده است.
۳. قومس: واقع در دامنه کوه های طبرستان که این ایالت شامل سمنان، دامغان، شاهرود، بسطام و سرخه بود. (خلف تبریزی، ۱۳۴۲: ذیل واژه)

در طی مراحل چندگانه سفر خود از راه خشکی به مصر رفته و در بازگشت از راه دریا به سرزمین<sup>۴</sup> مصر وارد شده و به گفته خود بسیار بسیار شهرها و دیه‌ها دیده بدین شرح که خود به تفصیل آورده است، شهرهایی چون: رمله<sup>۵</sup>، عسقلان<sup>۶</sup>، تنیس<sup>۷</sup>، اسکندریه، قیروان<sup>۸</sup>، مهدیه<sup>۹</sup>، مهدیه<sup>۹</sup>، اندلس، سقلیه، قاهره. در بین شهرهای یاد شده برخی از آنها متعلق به ایتالیای امروز (مثل جزیره سقلیه یا سیسیل) و برخی متعلق به اسپانیای امروز (مثل اندلس)، برخی در فلسطین اشغالی امروز (مانند عسقلان و رمله) و برخی از آن متعلق به مصر امروز (مثل اسکندریه، قاهره، مصر) است که در زمان ناصر خسرو همانگونه که خود به آنها اشاره می‌کند، و بدین تاریخ به دست

مسیر بعدی سفر ناصر خسرو بین‌النهرین در سرزمین عراق فعلی است. وی از شهرها و دیه‌های حران<sup>۱</sup> و سروج<sup>۲</sup> نام می‌برد. پس از آن شهرهای سوریه، لبنان و فلسطین امروزی را نام می‌برد و به ویژگی‌های معماری و شهرسازی برخی از آنها اشاره می‌کند. شهرها و دیه‌هایی چون حلب<sup>۳</sup>، طرابلس، طرابلس، جبیل، بیروت، صیدا، صور، عکّه، حیفا، قیساریه، رمله، بیت‌المقدس. در نهایت وارد حجاز شده و در طی سفر چهاربار به حج مشرف شده و از شهرهای مکه، مدینه، اسیوط، قوص، اخیم، اسوان، عیذاب، جدّه گذر می‌کند.



شکل ۴. دورنمایی از استحکامات و حصار و باروی دیار بکر (مأخذ: [www.yurtgundemi.com](http://www.yurtgundemi.com))

۴. به تعبیر خودش ولایت مصر.  
 ۵. رمله: قسمت مرکزی فلسطین اشغالی امروزی نزدیک تل آویو.  
 ۶. عسقلان: یا آشکلون نام شهری بندری در کنار دریای مدیترانه و در استان جنوبی فلسطین اشغالی است. (معین، ۱۳۵۶: ذیل واژه)  
 ۷. تنیس نام یونانی شهر باستانی جانت در شمال خاوری دلتای دلتای نیل در مصر می‌باشد. این شهر در کنار شاخه قهوه‌ای نیل جای گرفته است. این شهر به مدت طولانی پایتخت مصر بود تا اینکه در سده ششم میلادی سیلاب دریاچه منزله باشندگان آن را تهدید کرد. پس این شهر خالی از مردمان شد و ساکنانش شهر تنیس را در نزدیکی آن ساختند و در آن جاگیر شدند. (انجوی شیرازی، ۱۳۵۱: ذیل واژه)  
 ۸. قیروان: از شهرهای مهم و تاریخی کشور تونس است. این شهر مرکز استان قیروان در تونس است و نخستین شهری است که اعراب مسلمان در سال ۶۷۰ میلادی در تونس بنا نهادند. (پاشا، ۱۳۳۵: ذیل واژه)  
 ۹. مهدیه: شهری است در تونس که پایتخت امپراتوری فاطمی در شمال آفریقا بود. (معین، ۱۳۵۶: ذیل واژه)

۱. حران: شهری باستانی در بین‌النهرین در قسمت جنوب شرقی ترکیه که منزل ابراهیم پیغمبر بود.  
 ۲. سروج: شهر اکدی و محدوده‌ای به نام سروج در غرب حران که براساس یوبیل، نخست نام آن روح (عبری: 767676) بوده است و پس از بنای شهر اور نامش به سروج تغییر یافته است. (دهخدا، ۱۳۵۲: ذیل واژه)  
 ۳. حلب: این شهر در زمان ناصر خسرو باجگاه (گمرک خانه) میان بلاد شام و روم و دیار بکر و مصر و عراق بوده است. (همان: ذیل واژه)

سلطان مصر بود، از توابع مصر به شمار می‌آمدند. (ناصر خسرو، ۱۳۵۶: ۵۱)

در راه بازگشت از سفر، از طایف، ناحیه فلج، شهر یمامه، شهر لحسا، ولایت عمان، بصره و ابله و عبادان<sup>۱</sup>، خشاب<sup>۲</sup>، مهربان<sup>۳</sup>، ارجان<sup>۴</sup>، لودرغان، لودرغان، خان لنجان<sup>۵</sup>، اصفهان، نایین، طبس، تون، قاین، سرخس، مروالرود، فاریاب و بلخ گذر نموده و به موطن خود باز می‌گردد.

### تبیین اصطلاحات تخصصی حوزه استحکامات شهری متن سفرنامه

ناصر خسرو به کرات در متن سفرنامه از برخی لغات یا اصطلاحات تخصصی در حوزه معماری یا شهرسازی استفاده کرده که بررسی و تدقیق لغوی آنها جهت تطبیق ویژگی عناصر از حیث معماری در عصر ناصر خسرو و شرایط کنونی مؤثر خواهد افتاد. از سویی در روزگاران گذشته شهرها و «طرح‌های ساختمانی بیشتر براساس

۱. عبادان: نام آبادان تا پیش از ۱۳۱۴ش که به پیشنهاد فرهنگستان ایران و تصویب دولت، تلفظ و رسم‌الخط امروزی را پیدا کرد، به شکل عبادان خوانده و نوشته می‌شد. همچنین باید دانست که عبادان از ولایات تابعه بصره به شمار می‌آمده است. البته راه «بصره - عبادان» به طور جزئی، چنین بود که از بصره تا ابله، دو برید (پیک)، سپس تا «بیان» یک مرحله، و بعد تا عبادان یک مرحله دیگر راه بود. (معین، ۱۳۵۶: ذیل واژه)

۲. خشاب (اندیمشک): روستایی از توابع بخش الوار گرمسیری شهرستان اندیمشک در استان خوزستان ایران است.

۳. ماهرویان یا مهربان بندر قدیمی و تاریخی در کوره قباد فارس قدیم بوده است. موقعیت کنونی مهربان در قریه امامزاده عبدالله فعلی و از توابع شهرستان هندیجان استان خوزستان می‌باشد.

۴. ارجان: یکی از شهرهای فارس است نزدیک خوزستان. (احتمالاً همان بهبهان باشد)

۵. خان لنجان: شهرستان مبارکه امروز در استان اصفهان.

معلومات و تجربه کلی نسبت (سیستم) حمله و دفاع ریخته می‌شد تا سنت‌های محلی.» (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۱) مطالعات باستان‌شناختی نشان می‌دهد در «شهرهای قرون اولیه تا میانی اسلام، برج و بارو و حصار و ارگ از عناصر اصلی بافت شهر محسوب می‌شدند.» (تقوی، ۱۳۸۹: ۱۱) از این نظر در ادامه ضمن تعریف استحکامات به بررسی مهم‌ترین عناصری که کاربرد بیشتری در متن سفرنامه ناصر خسرو دارد پرداخته خواهد شد:

۱. استحکامات: «ساختمان‌های دفاعی که از بدو پیدایش جنگ‌های متشکل به وجود آمد.» (مصاحب، ۱۳۴۵: ذیل واژه) ساختمان‌ها، سنگرها، خاک‌ریزها، و مانند آن که برای هدف-های دفاعی ایجاد می‌شدند. (انوری، ۱۳۸۳: ذیل واژه) ابنیه‌ای از قبیل قلعه‌ها و برج‌ها که برای دفاع از شهر یا قصبه بنا می‌کردند. (دهخدا، ۱۳۶۲: ذیل واژه)

۲. بارو: دیوار گرداگرد یک شهر یا دژ (انوری، ۱۳۸۳: ذیل واژه) دیوار قلعه، حصار. (معین، ۱۳۵۶: ذیل واژه) میان بارو و سایر استحکامات کهن مرسوم در ایران که برای محافظت قسمت‌های مختلف قلعه ساخته می‌شد باید فرق نهاد. (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۰)

- نمونه در سفرنامه: چهار باروی قوی از پس یکدیگر در گرد او کشیده است. (ناصر خسرو، ۱۳۵۶: ۱۰۵)

۳. باره: «دیوار و حصار قلعه و شهر را گویند. دیوار درون حصار.» (دهخدا، ۱۳۶۲: ذیل واژه)

- نمونه در سفرنامه: در فصیل بیاید رفت تا به دروازه سور دوم رسند. (ناصرخسرو، ۱۳۵۴: ۱۱)

۱۱. کنگره: داندانه‌های بالای دیوار شهر. (معین، ۱۳۵۶: ذیل واژه)

- نمونه در سفرنامه: «و کنگره بر آن نهاده و بازارهای خوب» (ناصرخسرو، ۱۳۵۴: ۵)، از مشاهده آثار سکونت گاه‌های نخستین در ایران پیداست که شکل آنها به موازات پیشرفت سلاح-های تهاجمی و تدافعی تکامل یافته است. در دوران پیش از تاریخ و اوایل دوران تاریخی نوعی استحکامات عموماً تابع مقتضیات ناشی از محل قلعه یا دهکده و اوضاع طبیعی سرزمین بود. در همه دوره‌ها استحکامات را در مرتفع‌ترین نقطه بنا می‌کردند تا به سبب وجود شیب‌های تند تپه یا کوه، دستیابی به آن دشوار باشد و مدافعان هم در بالا قرار گیرند و از لحاظ دید مسلط باشند.» (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۲-۴۱) این روش استحکام بخشی شهر که جنبه تدافعی داشته در سفرنامه ناصرخسرو به خوبی توصیف شده است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

تبیین انواع استحکامات شهری از نگاه ناصرخسرو

در شهرسازی بسیاری از بلاد کهن، از استحکامات شهری جهت دفاع از شهرها استفاده می‌کردند. این آثار معماری شهری و متأثر از تمدن هر سرزمین، دارای اجزای کوچک و بزرگی بوده که ناصرخسرو تا حدودی به بررسی

- نمونه در سفرنامه: «بارهای عظیم داشت از سنگ سفید برشده.» (ناصرخسرو، ۱۳۵۴: ۱۰)

۴. بلاد: «شهرها، ناحیه‌ها، نواحی، این کلمه برای افاده مفهوم مملکت و کشور به کار می‌رود.» (معین، ۱۳۵۶: ذیل واژه)

- نمونه در سفرنامه: شهر باجگاه است میان بلاد شام و روم و ... (ناصرخسرو، ۱۳۵۴: ۱۳)

۵. جنگ گاه: «جایی در بالای دیوار قلعه‌ها برای تیراندازی و جنگ.» (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۸: ۸۶)

- نمونه در سفرنامه: «بر سر هر برجی جنگ-گاهی ساخته.» (ناصرخسرو، ۱۳۵۴: ۱۱)

۶. در: دروازه. (همان: ۱۷۲)

۷. سور: دیوار، باره شهر (همان: ۱۷۲)

«دیواری که در اطراف شهر می‌کشیدند، حصار (سخن)، باره، گرداگرد شهر.» (معین، ۱۳۵۶: ذیل واژه)

- نمونه در سفرنامه: «و بیرون این سور، سوری دیگر است.» (ناصرخسرو، ۱۳۵۴: ۱۱)

۸. شارستان: «(مقابل ربض)، قسمت اصلی شهرهای قدیم که بر گرداگرد کهندژ (قلعه حکومتی) ساخته می‌شد ... بر گرداگرد شارستان حصار می‌کشیدند و خارج از حصار را ربض می‌گفتند.» (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۵۹)

۹. شرفه: کنگره قلعه و بام (دهخدا، ۱۳۵۲: ذیل واژه)

۱۰. فصیل: دیوار کوچک درون حصار یا باره شهر. (همان: ذیل واژه)

انواع استحکامات شهرها و دیه‌ها و قصبه‌هایی از شرق و غرب که ناصر خسرو در طی این سفر هفت ساله آنها را مشاهده نموده و طی مشاهداتش به توصیف و ثبت ویژگی‌های معماری آنها پرداخته به شرح ذیل قابل تقسیم است:

### ۱. قلاع در سفرنامه

قلاع در شهرها و دیه‌ها از مهم‌ترین استحکامات شهری است که ناصر خسرو آنها را معرفی کرده است. او در بخش‌هایی از متن سفرنامه به ولایت طارم اشاره کرده می‌نویسد: «و به کنار شهر قلعه‌ای بلند، بنیادش بر سنگ خاره نهاده، سه دیوار بر گرد او کشیده.» (ناصر خسرو، ۱۳۵۴: ۶) و در رابطه با قلعه شهر حلب: «... و قلعه‌ای عظیم همه بر سنگ نهاده.» (همان: ۱۳) محل ارگ یا قلعه در بعضی از شهرها در مرحله نخستین احداث قلعه به گونه‌ای بود که حداقل یک ضلع قلعه در لبه خارجی حصار شهر قرار داشت. (سلطان‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۱) قلعه‌ها، گاه دروازه مخصوص به خود داشتند که یک یا چند دروازه آن در داخل شهر بود.



شکل ۵. قلعه شهر حلب

(مأخذ: [www.iranboom.ir](http://www.iranboom.ir))

برخی از این اجزاء نیز پرداخته است. آنچه از متون سفرنامه وی برمی‌آید حاکی از آن است که معمولاً شهرهایی دارای استحکامات هستند که هم آبادان و دارای باغات و امکانات بسیار بوده و هم از امنیت لازم برخوردار بودند. وی در توصیف شهر لحسا می‌نویسد: «و شهری جلیل در میان این حصار نهاده است با همه آلتی که در شهرهای بزرگ باشد. در شهر بیش از بیست هزار مرد سپاهی باشد.» (ناصر خسرو، ۱۳۵۴: ۱۰۵) لذا اشاره می‌نماید که: «لحسا شهری است که همه سواد<sup>۱</sup> و روستاهای او حصاری است و چهار باروی قوی از پس یکدیگر در گرد او کشیده است از گل محکم.» (ناصر خسرو، ۱۳۵۴: ۱۰۵) و یا در توصیف شهر اصفهان: «و من در همه زمین پارسی‌گویان شهری نیکوتر و جامع‌تر و آبادان‌تر از اصفهان ندیدم.» (همان: ۱۱۸) و در مورد استحکاماتش نیز: «و شهر دیواری حصین بلند دارد و دروازه‌ها و جنگ‌گاه‌ها ساخته و ...» (همان: ۱۱۷) در مورد شهر تون می‌نگارد: «و بر جانب شرقی باغ‌های بسیار بود و حصاری محکم داشت.» (همان: ۱۲۰) و همین‌طور در مورد سایر شهرهایی که از استحکامات آنها یاد می‌کند. او همچنین به شهر سرمین اشاره می‌کند که بدون بارو است و توضیح قابل توجه دیگری در مورد شهر ارائه نمی‌دهد و به نظر می‌رسد شهر چندان آبادی نبوده و گرنه ناصر خسرو از وصف آن دریغ نمی‌نمود چنانکه در مورد سایر شهرها قصور نداشته است.

۱. سواد: آبادی‌های اطراف شهر.



## ۲. بررسی انواع حصارها در سفرنامه

حصارها و فضاها پیرامونی آنها از عناصر مهم کارکردی شهری به شمار می‌آمدند و به سبب موقعیت و نقش ارتباطی خاصی که داشتند، مکان استقرار و جریان برخی از فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیز محسوب می‌شدند. البته همه عناصر حفاظتی شهر دارای خصوصیات کالبدی و کارکردی یکسانی نبودند. حتی ناصرخسرو نیز در نوشته‌هایش به این موضوع اشاره می‌کند. این حصارها در متون سفرنامه تحت عناوین «باره، بارو، سور، حصار و دیوار» مورد توصیف قرار گرفته‌اند. نکته حائز اهمیت در این خصوص آن است که به ویژگی‌های معماری این حصارها نیز اشاره می‌کند، چنانکه می‌نویسد: شهر میافارقین «باره‌ای عظیم داشت از سنگ سفید برشده، هر سنگی مقدار پانصد من<sup>۲</sup>» (ناصرخسرو، ۱۳۵۴: ۱۰)، یا در جایی دیگر اشاره می‌کند: «و قزوین را شهری نیکو دیدم، باروی حصین<sup>۳</sup> و کنگره بر آن نهاده و بازارهای خوب» (همان: ۵)، همچنین: «بنیاد شهر (آمد) بر سنگی یک لخت<sup>۴</sup> نهاده ... و گرد او سوری کشیده است از سنگ سیاه که خشت‌ها بریده است از صد منی تا یک هزار منی.» (همان: ۱۰) در مورد شهر اربل می‌نویسد: «و این شهر را دیوار حصین است، چنان که از لب دریا گرفته‌اند

و گرد شهر گردانیده» (همان: ۲۲)، همچنین در مورد شهر تون: «... و حصارى محکم داشت.» (همان: ۱۲۰)



شکل ۶. باروی شهر میافارقین  
(مأخذ: [www.iranboom.ir](http://www.iranboom.ir))

وی در اشارات خود به برخی از این حصارها به دو لایه بودن دیوار که می‌توان دیوار بیرونی و درونی نام‌گذاری کرد تأکید می‌کند: «و بیرون این سور، سوری دیگر است.» (ناصرخسرو، ۱۳۵۴: ۱۱) و گاه تعداد این دیوارهای حصار را بیش از این برمی‌شمارد مثل شهر لحسا، «... آن چهار باره دارد.» (همان: ۱۰۷)

برخی از این دیوارها و باروها دارای تزئینات کنگره‌ای بود، مثل شهر میافارقین: «و سر باره همه کنگره بر نهاده» (وزین‌پور، ۱۳۵۴: ۱۰) و شهر اصفهان: «... و بر همه بارو کنگره نهاده.» (همان: ۱۱۸)

## ۳. دروازه

معرفی دروازه‌های متعدد در شهرهای مختلف که معمولاً تعداد آنها از دو عدد بیشتر است از دیگر

۱. برشده: ساخته شده.

۲. من: از واحدهای وزن قدیمی ایرانی. (ملکی، ۱۳۵۸: ۲۹۴)

۳. حصین: مستحکم. (معین، ۱۳۵۶: ذیل واژه)

۴. یک لخت: یک پارچه. (همان: ذیل واژه)

آن شهر باج‌گاه<sup>۴</sup> است میان بلاد شام و روم و دیاربکر و مصر و عراق. و از این همه بلاد، تجار و بازرگانان آنجا روند. و چهار دروازه دارد... (ناصرخسرو، ۱۳۵۴: ۱۳) او به شهرهای مستحکم عیذاب و مهروبان نیز به عنوان باجگاه اشاره می‌کند. از آنجا که یکی از منابع مهم کسب درآمد در گذشته وصول مالیات و عوارض از کالاهای وارداتی و صادراتی بوده، گاه چنین عوارضی «در کنار دروازه‌ها از بازرگانان و صاحبان کالاهای تجاری دریافت می‌شد.» (سلطان‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۴۵)

#### ۴. برج

برج‌ها از عناصر مهم کارکردی دروازه‌ها به شمار می‌آمدند که معمولاً در اطراف دروازه‌ها ساخته می‌شدند و «در روی آنها مأموران مواظبت از شهر را به عهده داشتند و در هنگام جنگ از بالای آنها به سوی دشمن تیراندازی می‌کردند.» (سلطان‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۹) بر روی برج‌ها گاه از عناصر تزئینی و کارکردی خاص جهت حمله یا دفاع استفاده می‌کردند که ناصرخسرو هم به آنها اشاراتی داشته است، «شهر آمد... به هر صد گز<sup>۵</sup> برجی ساخته که نیم دایره آن هشتاد گز باشد و کنگره او هم از این سنگ<sup>۶</sup>... و بر سر هر برجی جنگ گاهی ساخته.» (ناصرخسرو، ۱۳۵۴: ۱۱)

۴. باج‌گاه: محل وصول عوارض، گمرک خانه. (ملکی، ۱۳۵۸: ۷۲)

۵. گز: واحد طول در قدیم معادل ۲۴ انگشت. (نشاط، ۱۳۶۸: ۱۰۴)

۶. منظورش سنگ سیاه است که در سطور قبل متن آمد به آن اشاره می‌کند.

بخش‌های معرفی استحکامات مورد بحث است، وی در وصف شهر آمد می‌گوید: «و چهار دروازه بر این شهر است همه آهن بی چوب، هر یکی روی به جهتی از جهات عالم.»<sup>۱</sup> (ناصرخسرو، ۱۳۵۴: ۱۱) در اشاره به شهر صیدا نیز می‌نویسد: «باره‌ای سنگین<sup>۲</sup> و محکم دارد و سه دروازه و مسجد آدینه خوب.» (همان: ۲۲) وی حتی به شهرهایی اشاره می‌کند که دارای دروازه بوده اما دیواری گرداگرد شهر ندارند: «شهر قاهره پنج دروازه دارد... و شهر بارو ندارد.» (همان: ۵۵)

وی دروازه‌ها را به دو جزء بیرونی و درونی تقسیم می‌کند: «و این سور بیرون را نیز دروازه‌های آهنین بر نشانده‌اند مخالف دروازه‌های اندرونی، چنان که چون از دروازه‌های سور اول روند مبلغی<sup>۳</sup> در فویل ببايد رفت تا به دروازه سور دوم رسند.» (همان: ۱۱) به ظاهر جهت برقراری امنیت بیشتر در شهر (چنان که وی اشاره می‌کند) دروازه‌های دو حصار بیرونی و درونی که به ترتیب دارای دروازه‌های اصلی (شارستان) و فرعی (ربض) بودند در روبه‌روی یکدیگر قرار نداشتند.

دروازه‌ها دارای کارکردهای گوناگون داشتند. کارکرد ارتباطی، و دفاعی و امنیتی آنها مهم‌ترین کارکرد دروازه بود، اما به غیر از آن به لحاظ اقتصادی و اجتماعی نیز دارای اهمیت بودند. به عنوان مثال ناصرخسرو به یکی از کارکردهای اقتصادی دروازه در شهر حلب اشاره می‌کند، «و

۱. منظور چهار جهت شرق و غرب و شمال و جنوب است.

۲. سنگین: سنگی.

۳. مبلغی: مقداری.

وی به عناصر جنگی چون عراده<sup>۱</sup> و مقاتلات<sup>۲</sup> در جوار برج‌ها و دیوار شهر سخن به میان می‌آورد، چنان که در مورد شهر طرابلس می‌نویسد: «... و کنگره‌ها و مقاتلات هم چنین، و عراده‌ها بر سر دیوار نهاده.» (همان: ۱۱)

### ۵. خندق

«پیرامون حصار بیشتر شهرهای متوسط و بزرگ و گاه کوچک خندقی وجود داشت که معمولاً در هنگام خطر در آن آب می‌انداختند تا مهاجمان نتوانند به شهر دسترسی پیدا کنند.» (سلطان‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۶۴) این تکنیک که بیشتر در سرزمین‌های فارسی زبان از آن استفاده می‌شد نیاز به آب فراوان داشت. لذا در مناطق کم آب ابعاد خندق و به خصوص عمق آن را تغییر می‌دادند تا در موقع دفاع قابل استفاده باشد. برای عبور از آنها گاهی از پل‌های چوبی یا آهنی که در روبه‌روی دروازه‌ها تعبیه می‌شد، استفاده می‌کردند. ناصر خسرو به خندق اطراف شهرستان قائن، و خندق سمت خشکی در شهر طرابلس اشاره می‌کند.

### ۶. استفاده از خود بناها جهت استحکام بخشی شهر

ناصر خسرو با اشاره به شهر قاهره می‌نویسد: «و شهر بارو ندارد، که بناها چنان مرتفع است که از

بارو قوی‌تر و عالی‌تر است.» (ناصر خسرو، ۱۳۵۴: ۱۱) به مناره اسکندریه نیز به عنوان نماد تدافعی اشاره می‌کند، «و آنجا مناره‌ای است که من دیدم آبادان بود به اسکندریه و آنجا یعنی بر آن مناره، آینه‌ای حرآقه<sup>۳</sup> ساخته بودند که هر کشتی رومیان که از استنبول می‌آمدی، چون به مقابله آن رسیدی آتشی از آن آینه در کشتی

افتادی و بسوختی.» (همان: ۵۱)

### ۷. استفاده از عناصر طبیعی جهت استحکام

#### بخشی شهر

او همچنین به شهرهای ساحلی اشاره می‌کند که سمت دریای آن شهر بدون استحکامات است و به نوعی استفاده از ساحل دریا (عنصر طبیعی) بخشی از استحکامات شهر به حساب می‌آید، «... به شهر جبیل رسیدیم، و آن شهری است مثلث، چنان که یک گوشه آن به دریاست و گرد وی دیواری کشیده بسیار بلند...» (همان: ۱۷) یا در مورد بصره «... به شهر بصره رسیدیم. دیواری عظیم داشت الا آن جانب که با آب بود دیوار نبود.» (همان: ۱۰۸)

وی همچنین به ژرفای زمینی اشاره می‌کند که همچون خندقی طبیعی برای شکل‌گیری شهر نوعی استحکام بخشی محسوب می‌گردد: «... وادی است عظیم ژرف و در آن وادی - که همچون خندقی است - بناهای بزرگ است بر نسق پیشینیان.» (همان: ۲۷) در مورد شهر مکه می‌گوید که از کوه اطراف شهر به عنوان

۱. عراده: آلتی جنگی کوچک‌تر از منجیق که در جنگ‌های قدیم برای پرتاب سنگ به کار می‌بردند.

۲. مقاتلات: جنگ گاه‌ها. (معین، ۱۳۵۶: ذیل واژه)

۳. حرآقه: سوزان. (معین، ۱۳۵۶: ذیل واژه)

(برخلاف امروز که این مرزبندی‌ها اختصاص به سرزمین‌ها و کشورها دارد.)

- نوع و میزان استحکام‌بخشی شهرها به میزان امنیت هر شهر و دیه بستگی داشته چنان‌که برخی شهرها دارای چند بارو و برخی شهرها بدون استحکامات بوده است.

- بنا بر نوشته ناصر خسرو، نخستین کارکرد استحکامات شهرها مربوط به کنترل آمد و شدها و محدود ساختن راه‌های ورود و دسترسی به شهر و انحصار رفت و آمد به دروازه‌ها بوده است. انواع حصارهای بیرونی و درونی و چند لایه بودن آنها حاکی از این مطلب است.

- منطبق با متن سفرنامه، دروازه‌های بیرونی و درونی که دارای کارکردهای مهم ارتباطی (ارتباط راه‌ها با هم و با شهر)، دفاعی، اقتصادی و اجتماعی هستند به لحاظ کارکردی در دسته دوم استحکامات شهری قرار می‌گرفتند.

- برج‌های پیرامون حصار شهر یا برج‌های اطراف دروازه‌ها و نیز خندق‌های پیرامون شهر و حصار به عنوان استحکامات شهری معرفی شده‌اند. برج‌ها جهت دفاع از شهر در مرحله‌ای که شهر مورد حمله قرار گرفته و خندق جهت ایجاد مانع در راه پیشروی و دسترسی سریع دشمن به شهر مهم‌ترین عناصر تدافعی این استحکامات یا قلعه‌ها به شمار می‌رفتند، اما برخی از شهرها یا دیه‌ها خود دارای قلعه‌های نظامی بودند که سیستم دفاع و حمله را در مواقع جنگ یا کشورگشایی تعریف می‌کردند که ناصر خسرو هم به آنها اشاراتی داشته است. استفاده از عناصر معماری مثل دیوارهای بلند

استحکامات استفاده می‌کردند و هر کجا شکافی در کوه وجود داشته جلوی آن را با استحکامات مسلح می‌کردند، «... و هر کجا رخنه‌ای به میان کوه در است دیوار باره ساخته‌اند و دروازه بر نهاده.» (ناصر خسرو، ۱۳۵۶: ۸۶).



شکل ۷. حصار و دیوار شهر جبیل

(مأخذ: [www.iranboom.ir](http://www.iranboom.ir))

### بحث و نتیجه‌گیری

ناصر خسرو از علم معماری و شهرسازی به معنای امروزی آشنا نبوده و از سیستم دفاعی شهرها و قصبات اطلاعات زیادی نداشته است، اما با تکیه بر دیده‌ها و شنیده‌ها یا به اصطلاح امروز با مطالعه میدانی (و مشاهده و مصاحبه) از نکات بسیار دقیق و ظریفی در باب استحکامات شهری و معماری و شهرسازی برخی ولایات و شهرها سخن گفته است. به طور کلی از مباحث مطرح شده در مقاله نتایج ذیل حاصل می‌شود:

- در سفرنامه ناصر خسرو، اغلب شهرهای آبادان و دارای ثروت و جمعیت بسیار دارای استحکامات قوی بودند.

- مرزبندی با استحکام‌بخشی هر شهر و یا دیه و قصبه به صورت مجزا انجام می‌شده است.

اسلامی». *دوفصلنامه مطالعات اجتماعی ایران*. شماره ۱۱. ص ۱۵-۶.  
 توکلی صابری، محمدرضا (۱۳۹۲). «پا به پای ناصر خسرو بر جاده ابریشم». [www.iramboom.ir](http://www.iramboom.ir)  
 جبارنیا، فریبرز (۱۳۸۸). «سفر در تاریخ با ناصر خسرو». *فصلنامه جستارهای شهرسازی*. شماره ۳۰. ص ۹۲.

حسینی زاده، سعیده؛ میرنژاد، سیدعلی (۱۳۹۲). «واحد اندازه‌گیری مسافت‌های بین شهری و درون شهری و ابعاد ابنیه در سفرنامه ناصر خسرو». *یزد. نشریه دانشوران*. سال سوم. ش ۴. ص ۶۷.  
 خلف تبریزی، محمدحسین (۱۳۴۲). *برهان قاطع*. به اهتمام محمد معین، تهران: ابن سینا.  
 دبیرسیاقی، سیدمحمد (۱۳۸۱). *سیر تاریخی شهر قزوین از آغاز تا سال ۱۳۲۰ ه.ش*. قزوین: اداره کل میراث فرهنگی استان قزوین.

دهخدا، علی‌اکبر (۶۲-۱۳۲۵). *لغت‌نامه*. تهران: چاپخانه مجلس و دانشگاه تهران.  
 ذبیح‌نیا عمران، آسیه (۱۳۸۹). *اقتصاد در سفرنامه ناصر خسرو*. (زلف سخن) مشهد. نخستین همایش ملی ادبیات فارسی دانشگاه پیام‌نور. به کوشش محمدجواد عرفانی بیضائی. ج ۱. ص ۳۶۵.

شعار، جعفر (۱۳۶۸). *گزیده تصاویر ناصر خسرو*. تهران: علمی.  
 شیرازی، انجو (۱۳۵۴-۱۳۵۱). *فرهنگ جهانگیری*. ویراسته رحیم عقیقی. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.  
 محمدپادشا، محی‌الدین محمد (۱۳۳۵). *آندراج*. زیر نظر محمد دبیرسیاقی. تهران: خیام.

محیط بر شهر یا دیگر تدابیر معمارانه نیز می‌تواند سیستم دفاع یا حمله را به لحاظ تکنیکی حمایت کند، همچنین استفاده از بستر طبیعی زمین (مثل شیب زمین یا توپوگرافی محل یا خندق‌های طبیعی ایجاد شده در دل زمین) یا ساحل دریاها و ... از دیگر عناصر استحکامات شهری که وی برخی از آنها را مشاهده و معرفی کرده، محسوب می‌شوند. تزئینات این استحکامات و اجزای آن نیز در تحقق هدف ایجاد امنیت در شهر تأثیر بسزایی داشته است. وی از جنگ‌گاه‌ها و کنگره‌ها و قرارگیری عراده و منجیق به عنوان عنصر جنگی متصل به معماری استحکامات، و نیز جزء تزئینی آن مواردی را نام برده است.

## منابع

امیرقاسمی، مینو (۱۳۸۲). «بازار در سفرنامه ناصر خسرو و احسن التقاسیم مقدسی». *فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی (علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز)*. شماره ۱۲. ص ۵۰-۳۵.  
 انوری، حسن (۱۳۸۳). *فرهنگ روزسخن*. تهران: سخن.

بهار، محمدتقی (۱۳۶۹). *سبک‌شناسی*. جلد دوم. تهران: امیرکبیر.  
 بهشتی، سیدمحمد؛ قیومی بیدهندی، مهرداد (۱۳۸۸). *فرهنگ‌نامه معماری ایران در مراجع فارسی*. جلد اول. تهران: انتشارات متن.  
 تقوی، عابد (۱۳۸۹). «بازتاب تحولات اجتماعی در ساختار فضایی شهر قدیم گرگان در دوران

- مصاحب، غلامحسین (۱۳۵۶-۱۳۴۵). *دائرالمعارف*. تهران: فرانکلین.
- معین، محمد (۱۳۵۶). *فرهنگ فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- ملکی، خلیل (۱۳۵۸). *فرهنگ اصطلاحات اجتماعی و اقتصادی*. تهران: رواق.
- ناصرخسرو (۱۳۵۶). *سفرنامه*. به کوشش محمد دبیرسیاقی. تهران: انجمن آثار ملی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۵۴). *سفرنامه*. به کوشش نادر وزین پور. تهران: فرانکلین.
- ناظم‌الاطباء (۱۳۱۸). *فرهنگ نفیسی*. تهران: خیام.
- نشاط، سید محمود (۱۳۶۸). *شمار و مقدار در زبان فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- نظری، جلیل (۱۳۸۴). «جهان‌بینی ناصر خسرو». *فصلنامه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*. دوره بیست و دوم. شماره سوم.

Burdasın, Sen (2013). Bitlis telefon kodu.  
www.ogrensek.com  
www.sehirler.net (29/4/2013)

